



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸، صفحات ۱۵۴-۱۳۷

نظام ملی ارزیابی؛ نیاز مبرم فرایندهای قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی ایران

علی محمد سلطانی^۱

استادیار پژوهشکده مطالعات فناوری

(تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱۲)

چکیده

هدف از این مقاله، تبیین جایگاه بایسته ارزیابی و ضرورت نهادینه‌سازی آن در فرایندهای رسمی سیاست‌گذاری کشور و پیشنهاد تدوین نظام ارزیابی ملی است. در فرایندهای قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری کشور، به ارزیابی توجه کافی نشده و بسیاری از مصوبات مجلس شورای اسلامی و نهادهای سیاست‌گذار به صورت ارزیابی‌پذیر، تدوین و تصویب نمی‌شوند. در این مقاله، با مطالعه ادبیات ارزیابی سیاست و تحلیل تجربیات رسمی برخی کشورها از طریق مطالعه قوانین و اسناد رسمی منتشر شده، ضرورت ارزیابی نهادینه سیاست‌ها و برنامه‌ها در سطح ملی مورد توجه قرار می‌گیرد و پیشنهادهایی برای ایجاد نظام ارزیابی در کشور ارائه می‌شود. نظام ملی ارزیابی باید به صورت گام‌به‌گام و با ایجاد آمادگی ارزیابی و فرهنگ ارزیابی در کشور اجرایی شود و بر اساس آن، الزام نهادهای سیاست‌گذار به تصویب قوانین و برنامه‌های ارزیابی‌پذیر، تعیین متولی ارزیابی کشور، تدوین برنامه‌های عملیاتی ارزیابی‌پذیر، ایجاد پایگاه داده ارزیابی و انتشار تمام برنامه‌ها، شاخص‌ها و نتایج ارزیابی‌ها انجام شود.

واژگان کلیدی: نظام ارزیابی ملی، ارزیابی سیاست، شاخص‌های ارزیابی، ارزیابی‌پذیری.

مقدمه

یکی از مطالبات جدی مردم از دولت‌ها در سراسر دنیا، کارآمدی است و بنابراین سنجش و اثبات کارآمدی، همواره یکی از نیازهای دولت‌ها بوده است. ارزیابی سیاست، قانون یا برنامه فرایندی نظام‌مند برای سنجش نحوه طراحی، پیاده‌سازی و نتایج یک برنامه است. اجرای این فرایند، تأثیر بسزایی بر پاسخگویی دولت‌ها و ارتقاء برنامه‌های آن‌ها دارد زیرا از یک‌سو، باعث می‌شود تا داده‌ها و اطلاعات کافی از اجرا و نتایج برنامه‌ها در اختیار جامعه قرار گیرد و از سوی دیگر، بازخوردهایی را برای نحوه اثر برنامه تولید می‌کند تا دولت بتواند برنامه‌های بهتری نسبت به گذشته، تدوین کند و اجرای بهتر برنامه‌ها را نیز یاد بگیرد. ارزیابی برنامه، تأثیر مستقیمی بر ارزیابی سازمان‌ها و کارگزاران به‌ویژه در رده‌های بالا دارد؛ اگر ارزیابی برنامه‌ها انجام نشود، ارزیابی مدیران نیز ممکن نیست و همه مدیران می‌توانند خود را موفق معرفی کنند و این باعث می‌شود که جریان شایسته‌سالاری در سطح کشور شکل نگیرد. در دهه‌های اخیر، ارزیابی برنامه هم در ادبیات و مباحث نظری و هم در جبهه تجربه و عمل، در جهان رو به رشد بوده است. در مقالات پژوهشی، مفاهیم، روش‌ها، فنون و ارتباط ارزیابی با سایر مباحث حکمرانی و همچنین مطالعات موردی توسعه یافته‌اند و علاوه بر آن، ده‌ها گزارش تجربه ارزیابی در سطوح منطقه‌ای (از طرف نهادهایی چون اتحادیه اروپا و OECD) و ملی منتشر شده است. بدون شک می‌توان گفت در فرایندهای قانون‌گذاری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور، به ارزیابی توجه کافی نشده است و صرفاً با نگاه بسیار حداقلی، در بعضی مواقع آن‌هم پس از اجرای یک برنامه، تلاش‌هایی برای ارزیابی انجام می‌شود و از طرفی بسیاری از قوانین و برنامه‌ها به دلیل طراحی نادرست، قابل ارزیابی نیستند. اما این شرایط در سایر کشورها چگونه است؟ تعداد کمی از کشورها ارزیابی برنامه‌ها و سیاست‌ها را در قالب یک نظام جامع طراحی کرده و آن را استقرار داده‌اند؛ قوانین لازم را وضع نموده و ارزیابی را از سطح پروژه‌ها و ارزیابی موردی، به یک فعالیت نظام‌مند و همه‌جانبه تبدیل کرده‌اند؛ که مهمترین هدف این کار، تضمین کارآمدی نظام سیاسی اجتماعی در یک کشور و افزایش رضایت مردمی است. هدف از این مقاله، تبیین جایگاه بایسته ارزیابی و ضرورت نهادینه‌سازی آن، شناسایی الزامات ارزیابی در فرایندهای رسمی کشور و ارائه پیشنهاد تحقیقات بیشتر و تدوین نظام ارزیابی ملی است و سؤال اصلی آن چگونگی استفاده کشور از تجربیات کشورهای دارای نظام ارزیابی برای ارتقاء کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران و مشخص شدن کارگزاران موفق از کارگزاران ضعیف یا ناکارآمد است.

مبانی نظری

مهم ترین دغدغه دولت ها در سطح کلان سیاست گذاری، عبارت است از:

- حفظ شأن پاسخگویی دولت
- بهبود عملکرد دولت در سیاست گذاری

دستیابی به هر دو هدف، فقط با ارزیابی ممکن است (I. Sanderson, 2002). هدف اول، از طریق جمع آوری اطلاعاتی محقق می شود که نشان دهنده دستیابی به اهداف و یا به عبارت دیگر کارآمدی دولت است؛ اما هدف دوم ناظر به دانشی است که یادگیری آن، می تواند منجر به بهبود فهم دولت از تأثیرات مداخلات گردد (سلطانی، ۱۳۹۰). به بیان دیگر، یکی از عالی ترین اهداف دولت ها در ارزیابی برنامه ها، دستیابی به توانمندی بالاتر در فرایند سیاست گذاری و درک بالاتر از نظام های اجتماعی است (Ian Sanderson, 2000) و برای رسیدن به این درک بالاتر، یکی از مهم ترین ابزارها، یادگیری از سیاست گذاری های قبلی است.

ارزیابی سیاست^۲

ارزیابی، فرایندی نظام مند و هدف دار برای سنجش ارتباط^۳، کارایی^۴ و اثربخشی^۵ برنامه، فعالیت یا پروژه با توجه به اهداف آن است (Fahrenkrog et al., 2002). همچنین ارزیابی سنجش طرح، پیاده سازی و نتایج سیاست یا برنامه است (BIS, 2010). ارزیابی ها از لحاظ زمان در چهار دسته آینده نگر (در زمان تدوین و قبل از اجرا)، گذشته نگر (در پایان اجرا)، هم زمان (در طول اجرا) و بینابین (مقاطع زمانی مختلف در طول اجرا مثلاً دوره های دوساله) قرار می گیرند (bovens et al., 2006; Lengrand, 2006). روش ها یا تکنیک های ارزیابی نیز بسیار متعدد هستند و در منابع مختلف روش های کمی و کیفی ارزیابی آمده است. فارنکروگ و همکاران (۲۰۰۲) روش های ارزیابی را در دو سطح ارزیابی گذشته نگر و آینده نگر دسته بندی می نمایند (Fahrenkrog et al., 2002). همچنین آرنولد و همکارش (۱۹۹۸) روش های ارزیابی را توضیح داده و نقاط قوت و ضعف هر یک از برمی شمرد (Arnold & Balazs, 1998). قلمرو و معیارهای ارزیابی بر اساس سؤالاتی که در مورد برنامه مورد ارزیابی مطرح می شود، متفاوت است (Mertens & Wilson, 2018). اگرچه، محققان معیارها و شاخص های متنوعی را برای ارزیابی

2 - Policy Evaluation

3 - Relevance

4 - Efficiency

5 - Effectiveness

سیاست‌ها و برنامه‌ها مطرح می‌کنند؛ مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در همان سه بخشی که در تعاریف اصلی آمده خلاصه کرد که شامل موارد زیر است (سلطانی، ۱۳۹۰) به نقل از (Arnold, 2004):

- آیا در حال انجام اقدام درست هستیم؟ (تناسب؟)
- نتایج اقدام ما چیست؟ (اثربخشی)^۶
- آیا می‌توان اقدام را بهتر انجام داد؟ (کارایی)^۸

ارزیابی‌پذیری سیاست

اگر سیاست یا برنامه، در زمان تدوین، ملاحظات ارزیابی را در نظر نگیرد نمی‌توان ارزیابی آن را به صورت نظام‌مند انجام داد؛ حتی ممکن است ارزیابی یک برنامه ممکن نباشد (Newcomer et al., 2015). مهم‌ترین نکته در این زمینه، تعیین اهداف شفاف و روشن است. اسمیت (Smith, 1999) معیارهای SMART را برای اهداف و شاخص‌های اندازه‌گیری تعیین نموده که عبارت‌اند از: Specific: کاملاً مشخص، Measurable: قابل اندازه‌گیری، Achievable: قابل دستیابی، Relevant: مرتبط با منظور اصلی و Time Bound: دارای زمان‌بندی مشخص. شاخص‌ها، خروجی‌های قابل اندازه‌گیری هستند که می‌توانند دستیابی به اهداف برنامه را نشان دهند. برای انتخاب شاخص‌ها نیز باید معیارهای بالا را در نظر داشت. خیلی از شاخص‌ها کمی هستند و اندازه‌گیری و مقایسه آن‌ها در طول زمان و یا مثلاً با دیگر کشورها امکان‌پذیر است؛ اما نمی‌توان از اهمیت شاخص‌های کیفی که عموماً بر اساس نظر انسان‌ها اندازه‌گیری می‌شود غفلت کرد. تعدادی از شاخص‌ها ذاتاً کیفی هستند و کمی کردن بعضی از شاخص‌ها، موجب غفلت از بخشی از هدف می‌شود (Lengrand, 2006). علاوه بر این برای ارزیابی‌پذیری سیاست یا برنامه، پیش‌بینی سازوکارهای ارزیابی و دوره‌های زمانی مشخص و همچنین نحوه تولید و جمع‌آوری اطلاعات لازم برای ارزیابی در طول اجرای برنامه، برای آن ضرورت دارد. (Newcomer et al., 2015) کتاب‌ها، مقالات و گزارش‌های متعددی ناظر به ارزیابی سیاست‌ها یا برنامه‌های مشخص منتشر شده و در بخش بعدی به تعدادی از تجربیات کشورها که نظام ارزیابی را طراحی کرده‌اند اشاره می‌شود. این نظام‌ها فراتر از ارزیابی‌های موردی هستند و چارچوب کلی ارزیابی همه برنامه‌ها را شامل می‌شوند.

6 - Are we doing the right thing (appropriateness)?

7 - What are the results of our action (effectiveness)?

8 - Could we do it better (efficiency)?

ارزیابی برنامه و ارزیابی سازمان

وقتی در مورد ارزیابی سیاست‌های دولتی صحبت می‌شود نمی‌توان آن را از ارزیابی سازمان مجری سیاست تفکیک کرد. در ادبیات از دو عبارت ارزیابی سیاست و سنجش کارایی^۹ به ترتیب برای برنامه و سازمان استفاده می‌شود. اگرچه با قراردادن برنامه در شرح وظایف یک یا چند سازمان، عملاً دو مفهوم به هم نزدیک می‌شوند و به جای همدیگر استفاده می‌شوند و یا هم‌پوشانی دارند، تفاوت‌های آن‌ها نیز قابل ذکر است. ارزیابی برنامه بیشتر کیفی و سنجش کارایی بیشتر کمی است؛ مفهوم ارزیابی سیاست در حوزه سیاستگذاری قرار می‌گیرد، در حالی که مفهوم سنجش کارایی در حوزه مدیریت است. (Blalock, 1999; McDavid et al., 2012; Talbot, 2006) کارایی در ادبیات دارای دو بعد عملکرد و نتایج است و ارزیابی کارایی سازمان به معنای ارزیابی هر دو بعد است. (Van Dooren et al., 2015)

روش تحقیق

در این تحقیق، ابتدا با مطالعه ادبیات ارزیابی سیاست، دلایل و اثرات آن، اجزای مختلف فرایند ارزیابی، بررسی شده است. همچنین تجربیات رسمی برخی کشورها در این زمینه از طریق مطالعه قوانین و اسناد رسمی منتشر شده تحلیل شده‌اند و بر اساس آن‌ها، ضرورت ارزیابی نهادینه سیاست‌ها و برنامه‌ها در سطح ملی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین با مطالعه تطبیقی (غفاری، ۱۳۸۸)، داده‌های لازم برای بررسی نظام ارزیابی ملی در تعدادی از کشورها از طریق مطالعه اسناد رسمی شامل قوانین مصوب مجلس، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های رسمی دولت و سایر مستندات و در نهایت با پیش فرض تفاوت‌های کشورمان با سایر کشورها، پیشنهادهایی برای ایجاد نظام ارزیابی در کشور ارائه شده است. بخشی از این تحقیق در چارچوب روش تحقیق «انتقال سیاست»^{۱۰} قرار می‌گیرد که در آن، با شناخت عمیق زمینه‌ها و شرایط یک سیاست برای استفاده از تجربه دیگر کشورها اقدام می‌شود (Evans, 2017). در این گونه کشورها ابتدا ضرورت داشتن یک نظام ارزیابی توسط نهادهای عالی سیاست‌گذار و قانون‌گذار درک شده و در مرحله بعد برای ایجاد این نظام اقدام شده است. کشور ما در مرحله درک این الزام است و در این تحقیق سعی شده است پیشنهادهایی برای شروع کار ارائه شود. البته این تحقیق، به طراحی جزئیات نظام ارزیابی ملی ایران پرداخته و این نظام باید در یک پژوهش گسترده‌تر و با همکاری نهادهای مختلف، به صورت دقیق تدوین شود.

9 - Performance Measurement

10 - Policy Transfer

تجربیات نظام ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌ها در سطح ملی

در این بخش، داده‌هایی از تجربیات سایر کشورها در زمینه نظام‌های ارزیابی رسمی برنامه‌ها و سیاست‌ها ارائه می‌شوند. در این فعالیت‌ها، ایجاد فرصت اطلاع‌رسانی عمومی نتایج قوانین و برنامه‌ها (پاسخگویی دولت)، استفاده از نتایج ارزیابی برای برنامه‌ریزی بهتر و امکان ارزیابی مجریان برنامه‌ها هدف‌گیری شده است.

قانون کارایی و دستاوردهای دولت آمریکا

قانون کارایی و دستاوردهای دولت آمریکا^{۱۱} در سال ۱۹۹۳ به تصویب کنگره رسیده که خود بخشی از مجموعه قوانین مرتبط با بهبود کارآمدی و مدیریت دولت بوده است. بر اساس این قانون، سازمان‌های دولتی موظفند اصولی را در برنامه‌ریزی و گزارش دهی رعایت کنند. سه عنصر اصلی این قانون به شرح زیر است (US-Congress, 1993):

- ۱ - سازمان‌های دولتی موظفند برنامه راهبردی ۵ ساله داشته باشند که باید حداقل شامل بیانیه مأموریت سازمان و اهداف بلندمدت و نتایج هر یک از وظایف سازمان باشد.
- ۲ - سازمان‌های دولتی موظفند برنامه عملیاتی سالانه داشته باشند. این برنامه اهداف سال مالی و نحوه تحقق آن‌ها را نشان می‌دهد.
- ۳ - سازمان‌های دولتی موظفند گزارش عملکرد سالانه خود را تهیه کنند و در آن موفقیت یا شکست تحقق اهداف را برای همه فعالیت‌هایی که بابت آن‌ها از دولت بودجه گرفته‌اند، گزارش کنند.

دفتر مدیریت و بودجه^{۱۲} وابسته به دفتر رئیس‌جمهور نیز موظف است سالانه یک گزارش عملکرد برای هر سازمان تولید نماید که این گزارش‌ها هم‌زمان با درخواست (لایحه) بودجه سالانه توسط رئیس‌جمهور به کنگره ارائه می‌شود. این قانون برای سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۶ به صورت پایلوت در تعدادی از سازمان‌ها اجرا شد (US-Congress, 1993) و پس از تحلیل موفقیت آن از سال ۱۹۹۷ به طور کامل اجرایی شده و اجرای آن همچنان ادامه دارد. در یکی از بخش‌های این قانون آموزش برنامه‌ریزی و سنجش عملکرد به مدیران به دفتر مدیریت منابع انسانی^{۱۳} واگذار شده است.

11 - Government Performance and Results Act (GPRA) of 1993

12 - Office of Management and Budget (OMB)

13 - Office of Personnel Management (OPM)

این قانون چند بار اصلاح شده و در آخرین اصلاح آن که در سال ۲۰۱۰ انجام شده^{۱۴} سازمان های دولتی موظف شده اند گزارش های خود را در یک فرمت قابل قرائت توسط ماشین (کامپیوتر) تولید کنند؛ برنامه ها و گزارش ها را در اینترنت منتشر نمایند و همچنین باید عوامل خارج از کنترل سازمان را که در اهداف و دستاوردهای سازمان اثر دارد، شناسایی کنند. دوره زمانی برنامه راهبردی سازمان ها نیز ۴ ساله و منطبق بر دوره های ریاست جمهوری شده است. همچنین برای هر یک از اهداف سازمان باید یکی از مقامات سازمان به عنوان راهبر تعیین شود که مسئول و پاسخگوی دستیابی به هدف است. برنامه های عملیاتی نیز همچنان سالانه تهیه می شوند ولی این بار با اهداف دوساله شامل سال جاری و سال بعد. همچنین در گزارش های عملکرد سالانه باید دلایل عدم تحقق اهداف دقیقاً توضیح داده شده و برنامه های سازمان برای تحقق آن و یا توضیح درباره ناممکن بودن دستیابی به هدف ارائه شود. مطابق این اصلاح، سازمان ها باید اهداف خود را اولویت گذاری کنند و به صورت فصلی آن ها را مورد بازنگری قرار دهند. دفتر برنامه و بودجه نیز باید اولویت های ملی را در تعامل با سازمان ها مشخص نماید. در هریک از سازمان ها، دو پست «مدیر عملیاتی»^{۱۵} و «مدیر بهبود کارایی»^{۱۶} ایجاد و یک شورا نیز با مدیریت دفتر برنامه و بودجه ایجاد شده است (Brass, 2012). رادین در اوایل اجرای این قانون، با بیان نقاط ضعف آن، انطباق آن را با ساختارهای سازمانی آمریکایی و واقعیت های سیاسی نظام این کشور سخت دانسته است (Radin, 2000)؛ با این وجود اجرای طولانی و اصلاحات انجام شده در قانون، باعث تداوم اعتبار این قانون شده است.

قانون ارزیابی سیاست ژاپن

در کشور ژاپن، نظام ارزیابی سیاست (برنامه) به عنوان بخشی از اصلاحات اداری راه اندازی شده است. بدین منظور قانون ارزیابی سیاست دولت ژاپن^{۱۷} در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسیده و با چند دوره اصلاح، همچنان در حال اجرا است. پایه این نظام، خودارزیابی سازمان هاست اما یک وزارت به عنوان سازمان تخصصی برنامه ریزی و ارزیابی، مستقل از تک تک سازمان ها ارزیابی های منسجم و جامع را انجام می دهد و کل این فرایند تحت اشراف کلی کابینه قرار دارد. (Government_of_Japan, 2001) بر اساس این قانون سازمان های دولتی موظف هستند تمام برنامه های خود را ارزیابی کنند، نتایج ارزیابی را منتشر و در برنامه ریزی ها و توسعه برنامه ها

14 - The GPRA Modernization Act of 2010 (GPRAMA)

15 - Goal Leader

16 - Chief Operating Officer

17 - Performance Improvement Officer

18 - Government Policy Evaluation Act

مورد استفاده قرار دهند. در این قانون ارزیابی برنامه‌ها از منظر ضرورت، کارایی و اثربخشی - به‌عنوان ابعاد یا معیارهای ارزیابی - انجام می‌شود و سازمان‌ها (شامل همه وزارتخانه‌ها، دفاتر کابینه و امپراتور و برخی کمیسیون‌های هماهنگی) باید اطلاعات لازم را برای شناسایی اثرات اجرای برنامه‌ها جمع‌آوری و مطالعه کنند و در زمان‌های مناسب ارزیابی‌های لازم را انجام دهند و نتایج ارزیابی را در برنامه‌ریزی‌ها ملاک قرار دهند. علاوه بر اندازه‌گیری کمی اثرات برنامه‌ها، نظرات خبرگان مرتبط نیز باید با روش‌های معمول علمی اخذ شود. (Government_of_Japan, 2001) بر اساس این قانون، وزیر یا رئیس سازمان، باید «برنامه پایه ارزیابی سیاست»^۱ را برای تک‌تک وظایف و برنامه‌های خود، در دوره‌های ۳ تا ۵ سال تهیه نماید. این برنامه پایه باید منتشر شده و نحوه بازنگری آن روشن باشد. گزارش‌های ارزیابی باید شامل توضیحات کافی در مورد سیاست مورد ارزیابی، مجری ارزیابی، زمان ارزیابی، نحوه جمع‌آوری اطلاعات، چگونگی اخذ نظرات خبرگان و نتایج ارزیابی باشد (Government_of_Japan, 2001). «وزارت امور کشور و ارتباطات»^۲ (MIC) مسئول اجرای این قانون است (MIC, 2018). این وزارت شرح وظایف گسترده‌ای دارد که وظایف مشابه سازمان برنامه‌بودجه کشورمان را هم شامل می‌شود. گزارش‌های ارزیابی هر سازمان به این وزارت ارسال می‌شود و این وزارتخانه موظف است گزارش‌ها را ارزیابی نموده و علاوه بر این برای برنامه‌هایی که مرتبط با دو یا چند سازمان است، ارزیابی منسجم و جامع را انجام دهد. (Cabinet_of_Japan, 2017) در ساختار این وزارت، یک معاونت برای هماهنگی سیاست و چند بخش مرتبط با ارزیابی سیاست پیش‌بینی شده است و سایر سازمان‌ها موظف به همکاری با آن هستند. پس از تصویب این قانون راهنمای اصلی اجرای آن نیز تدوین شده (Cabinet_of_Japan, 2017) و بارها مورد بازنگری قرار گرفته است. در این راهنما، بخش‌های زیر تبیین شده است:

- ۱- نحوه انجام ارزیابی برنامه
- ۲- شاخص‌های ارزیابی
- ۳- نحوه جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با اثرات برنامه
- ۴- انجام ارزیابی آینده‌نگر
- ۵- انجام ارزیابی گذشته‌نگر
- ۶- نحوه اخذ نظرات خبرگان

19 - Basic Plan for Policy Evaluation

20 - Ministry of Internal Affairs and Communication

۷- نحوه تأثیر نتایج ارزیابی در برنامه‌ریزی‌های بعدی

۸- انتشار نتایج ارزیابی

بر اساس این راهنما و به‌منظور انجام نظام‌مند ارزیابی، ساختار برنامه باید از قبل شفاف باشد و ارزیابی بعد از تعیین ارتباط میان اهداف برنامه و ابزارهای آن انجام می‌شود. به‌علاوه در صورتی که یک برنامه در یک سازمان، مربوط به یک برنامه بالادستی باشد باید ارتباط میان برنامه بالادست و سازمان تعیین‌شده باشد. برای اجرای بهتر این قانون، سایر راهنماها و دستورالعمل‌های لازم توسط کابینه و یا گروه ویژه بین وزارتخانه‌ای تهیه شده است.

ارزیابی سیاست در انگلستان

در انگلستان از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰ میلادی، همه سازمان‌ها موظف بودند در چارچوب «نظام موافقت‌نامه‌های خدمات عمومی»^{۲۱} قواعد وزارت خزانه‌داری را رعایت کنند. بر این اساس هر یک از خدمات که با بودجه دولت ارائه می‌شود، باید اهداف شفاف و مشخص داشته باشند و میزان دستیابی به آن‌ها، در گزارش‌های عملکرد تعیین شود. (Talbot, 2006) این نظام در سال ۲۰۱۰ متوقف شد؛ اما وزارت خزانه‌داری، برنامه دیگری را در طول ۵۰ سال گذشته اجرا نموده که بر اساس آن تمام سازمان‌های دولتی موظف به رعایت مقرراتی هستند تا ارزیابی شفاف و هدفمند برنامه‌ها در زمان تصمیم‌گیری انجام شود. راهنمای این برنامه تحت عنوان راهنمای کتاب سبز^{۲۲} بیان می‌کند که این مقررات، شامل تمام برنامه‌ها و فعالیت‌های جدید یا تغییر برنامه‌ها و تنظیم‌گری‌های موجود است که یا از منابع دولتی استفاده می‌کنند یا مرتبط با مالیات هستند. (HM_Treasury, 2018) یکی دیگر از برنامه‌های دولت انگلستان که از دهه ۱۹۸۰ مطرح شده و به‌نوعی به نظام ارزیابی مربوط می‌شود، بیانیه ROAME است که دولت برای هر برنامه، قبل از تصویب، سند این بیانیه را دریافت نموده و برای بررسی به یک کمیته تحویل می‌دهد. در این روش، هر برنامه برای تصویب باید مواردی را به شرح زیر دقیقاً مشخص کند. حروف اول این موارد، کلمه ROAME و بعدها کلمه ROAME-F^{۲۳} را ساخته‌اند و عبارت‌اند از: (سلطانی، ۱۳۹۰) به نقل از (Cunion, 1995)

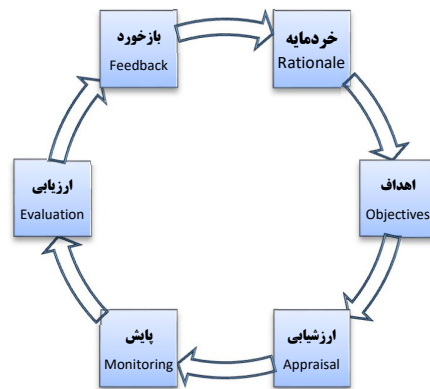
(۱) خردمایه و توجیه دخالت دولت: برنامه را توجیه و اهدافی را که برنامه برای تحقق آن اجرا می‌شود تنظیم می‌کند؛ دلیل نیاز به برنامه را تبیین می‌نماید.

21 - Public Services Agreements System

22 - The Green Book Guidance

23 - Rational, Objectives, Appraisal, Monitoring, Evaluation, Feedback

- (۲) اهداف قابل دسترس و قابل اندازه‌گیری: اهداف مشخص و ترجیحاً قابل اندازه‌گیری برنامه را بیان می‌کند، این اهداف، بیان عملیاتی اهداف سیاستی هستند.
- (۳) توجیه انتخاب پروژه‌ها و اقدامات لازم در برنامه: معرفی انواع اقدامات و پروژه‌های ممکن و دلیل انتخاب فعالیت‌های پیشنهادشده و نحوه انتخاب پروژه‌ها در طول اجرای برنامه.
- (۴) اقدامات لازم برای پایش پیشرفت برنامه در حین اجرا: روال‌های لازم برای نمایش پیشرفت برنامه در طول اجرای آن؛ پایش نیازمند اطلاعات مرتبط با مدیریت (نحوه اجرای برنامه با توجه به برنامه‌ریزی اولیه) و نتایج برنامه (دستیابی به خروجی‌ها ترجیحاً با اندازه‌گیری شاخص‌ها) است.
- (۵) نحوه ارزیابی اثربخشی و کارایی برنامه: تعیین کارایی مدیریت برنامه و اثربخشی آن از لحاظ دستیابی به نتایج؛ اثرات جانبی برنامه، درس‌هایی که از اجرای برنامه گرفته می‌شود؛ و ...
- (۶) نحوه اعمال نتایج ارزیابی در بهبود برنامه: چگونه نتایج ارزیابی، به متولیان سطح سیاست و همچنین طراحان برنامه‌های بعدی اطلاع داده می‌شود؟ روش‌هایی چون انتشار و توزیع نتایج ارزیابی پیشنهاد می‌شود.
- شکل ۱ چرخه ROAMEF را نشان می‌دهد.



شکل ۱ - چرخه ROAMEF؛ منبع: (Grice 2003).

ارزیابی سیاست در سایر کشورها

سازمان ارزیابی اسپانیا^{۲۴} وابسته به معاون اول رئیس‌جمهور در سال ۲۰۰۶ میلادی با مأموریت ارتقاء ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و همچنین ارتقاء خدمات دولتی و پاسخگویی سازمان‌ها تأسیس شده است. در این سازمان روش‌های ارزیابی برنامه، شاخص‌گذاری و استانداردهای ارزیابی توسعه پیدا می‌کند و ارزیابی برنامه‌های دولتی و همچنین سازمان‌های دولتی انجام می‌شود. در رأس این سازمان، شورایی مرکب از نمایندگان چند وزارت، دفتر رئیس‌جمهور، نمایندگان انجمن‌ها و کارشناسان مبرز فعالیت می‌کند. بر اساس گزارش بانک جهانی، این سازمان نقش زیادی در گسترش فرهنگ ارزیابی در بین سازمان‌های دولتی اسپانیا داشته است (Feinstein & Zapico-Goñi, 2010). این سازمان از سال ۲۰۱۷ به وزارت سیاست‌های کشوری و اقدامات دولتی^{۲۵} منتقل شده است (Džinić, 2017). در کانادا مرکزی وابسته به خزانه‌داری و یک پایگاه داده برای ارزیابی تشکیل شده و روش‌ها و استانداردهای لازم را برای ارزیابی به سازمان‌ها منتقل و در اجرای ارزیابی به آن‌ها کمک می‌کند (CEE, 2018). در کره جنوبی، اداره ارزیابی ملی وابسته به مجلس، وظیفه توسعه روش‌های ارزیابی و انجام ارزیابی را بر عهده دارد. ارزیابی برنامه‌های مهم ملی مستقیماً توسط این اداره انجام می‌شود (NABO, 2018). دولت آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۴، چارچوب سیاست ملی ارزیابی را با ساختار شفاف و فراگیر تصویب کرد. خیلی از دیگر کشورهای آفریقای نیز به واسطه هماهنگی با سیاست‌های بانک جهانی و سایر مؤسسات بین‌المللی و یا کشورهای اروپای شرقی برای هماهنگی با اتحادیه اروپا معمولاً ارزیابی‌هایی انجام می‌دهند اما ممکن است سیاست ارزیابی دقیقی برای کشورشان نداشته باشند (Rosenstein, 2015). بر اساس بررسی انجام‌شده در مجمع پارلمانی کشورهای آسیایی عضو سارک، سیاست ملی ارزیابی در کشورهای کانادا، شیلی، کلمبیا، فنلاند، فرانسه، آلمان، مکزیک، هلند، نروژ، کره جنوبی، استرالیا، سنگاپور، انگلستان، سوئد و سوئیس به‌خوبی مستقر شده است (Rosenstein, 2015). همچنین برخی فعالیت‌های سازمان‌یافته ارزیابی در سطوح پایین‌تر (در سطح سازمان‌های ملی) نیز قابل‌ذکرند مانند:

- تأسیس مرکز ملی ارزیابی علم و فناوری توسط وزارت علوم و فناوری چین در سال ۱۹۹۴ برای ارزیابی سیاست‌ها و پروژه‌های علمی و فناوری و یا مرکز ارزیابی آموزش عالی در همان سال توسط وزارت آموزش چین (Lu & Xie, 2005)

24 - Spanish Agency for the Evaluation of Public Policies and Quality of Services

25 - Ministry of Territorial Policy and Public Function

- برنامه ارزیابی سیاست‌های بهداشت در کشور بوتسوانا از سال ۲۰۰۳ برای بیماری‌های خاص (Government_of_Botswana, 2018)
- تأسیس شورای ملی ارزیابی سیاست توسعه اجتماعی^{۶۶} در مکزیک با هدف ارزیابی برنامه‌های فقرزدایی (CONEVAL, 2018)

جایگاه فعلی ارزیابی در ایران

باید گفت در کشور ما تاکنون برنامه منسجم و جامعی برای ارزیابی سیاست‌ها و یا سازمان‌های دولتی وجود نداشته است. سازمان برنامه‌بودجه کشور، در قالب موافقت‌نامه‌های بودجه، شاخص‌هایی را برای ارزیابی برنامه‌ها و اقدامات سازمان‌ها تعیین کرده است اما معمولاً گزارشی از تحقق یا عدم تحقق این شاخص‌ها منتشر نمی‌شود. این شاخص‌ها متناسب با فعالیت‌های هر سازمان تعیین می‌شود. در قانون تشکیل این سازمان، به‌طور شفاف به ارزیابی سیاست یا برنامه اشاره نشده اما ارزشیابی کارایی و عملکرد دستگاه‌های اجرای و گزارش آن به رئیس‌جمهور ذکر شده است (مجلس شورای ملی، ۱۳۵۱). دیوان محاسبات کشور نظارت‌هایی انجام می‌دهد که بخشی از فرایند ارزیابی است و عموماً بررسی انطباق فعالیت‌های سازمان‌ها بر قوانین کشور است؛ اما این فعالیت نیز به‌صورت منسجم و کامل در چارچوب ارزیابی سیاست نمی‌گنجد. از طرفی بررسی سیاست‌های کلی نظام و بسیاری از قوانین و برنامه‌ها و اسناد مصوب مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت، شوراهای عالی و سایر نهادهای سیاست‌گذار نشان می‌دهد که این قوانین و برنامه‌ها به‌صورت ارزیابی‌پذیر، تدوین و تصویب نمی‌شوند. حتی قوانین متعددی دیده می‌شود که اهداف روشن و شفاف نداشته و فقط خواسته‌ها یا آرمان‌های کلی در آن‌ها آمده است. در بعضی قوانین و مصوبات، اهداف، همان اهداف سندها و یا قوانین بالادست هستند. در کمتر قانونی می‌توان شاخص‌های مورد نظر قانون‌گذار را مشاهده کرد.

نتایج و یافته‌ها

مهم‌ترین اثر ارزیابی سیاست، بهبود کارآمدی دولت است. هرچقدر هم دولت‌ها توانمندی‌های خود را برای سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و ارائه خدمات به جامعه ارتقاء دهند، چیزی برای جایگزینی ارزیابی سیاست پیدا نمی‌کنند؛ بنابراین حرکت در مسیر ارزیابی، اجتناب‌ناپذیر است. البته این‌طور نیست که کشوری به این مقوله توجه نکرده باشد اما مرتبط نمودن ارزیابی سیاست با پیشرفت ملی نیازمند نگاه نظام‌مند به این موضوع است. بررسی

تجربیات برخی کشورها (جدول ۳) نشان می دهد که نظام ارزیابی ملی و یا سیاست ملی ارزیابی به شکل های مختلف در آن ها وجود دارد؛ اما جایگاه ارزیابی در نظام های قانون گذاری و برنامه ریزی کشورها متفاوت است. حتی به دلیل پیچیدگی فرایند ارزیابی، تعریف کشورها از ارزیابی سیاست نیز تفاوت هایی دارد و گاهی بخشی از آن ملاک عمل قرار می گیرد. در برخی کشورها، ارزیابی سیاست گاه به گاه و یا مداوم انجام می شود اما هنوز یک نظام ارزیابی سیاست شکل نگرفته است. البته نباید تصور شود که داشتن یک قانون یا نظام جامع، لزوماً می تواند شرایط آن ها را بهتر کند؛ زیرا ایجاد یک نظام ارزیابی نیاز به آمادگی دارد. بررسی مؤلف نشان می دهد که کمتر کشوری از کشورهای بررسی شده، دارای نظام جامع در حد کشورهای ژاپن و آمریکا هستند؛ بنابراین این دو کشور را باید پیشتاز ارزیابی نظام مند در سطح ملی دانست.

جدول ۳ - کشورهای دارای نظام ارزیابی و نقاط مشترک و تفاوت های آن ها

بررسی شده در این مقاله: آمریکا، ژاپن، انگلیس	کشورهای دارای نظام مستقر ارزیابی ملی (با سطوح متفاوت)
در این مقاله بررسی نشده اند اما در منابع (Rosenstein, 2015) از آنها یاد شده است: کانادا، شیلی، کلمبیا، فنلاند، فرانسه، آلمان، مکزیک، هلند، نروژ، کره جنوبی، استرالیا، سنگاپور، سوئد و سوئیس	
الزام به تعیین اهداف و شاخص های قابل ارزیابی برای برنامه ها الزام تولید و انتشار داده ها و نتایج ارزیابی تدوین آیین نامه ها و راهنماها	نقاط مشترک در نظام های ارزیابی
محل تصویب نظام ارزیابی (مجلس/دولت) تأثیر ارزیابی در بودجه سازمان ها متولی ارزیابی (فرابخشی و بخشی) انجمن ها و نهادهای خصوصی ارزیابی خودارزیابی سازمان ها و ارزیابی نهادهای بالادست نحوه استفاده از نتایج ارزیابی در بهبود برنامه ها آموزش مدیران و کارگزاران	سایر اجزای نظام های ارزیابی

بدنه های متولی ارزیابی در کشورها، مختلف و متنوع است؛ از نهادهای وابسته به مجلس یا ریاست جمهوری و نخست وزیری گرفته تا یک وزارتخانه یا سازمان زیرمجموعه آن و به شکل ها و سطوح مختلف. بدون یک تحقیق گسترده، نمی توان گفت کدام حالت بهتر است؛ اما به نظر می رسد در مواردی که قوای مقننه و مجریه در ارزیابی سیاست با هم هماهنگی و نقش مکمل

داشته باشند نتایج ارزیابی، بهتر می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در بعضی از کشورها نهاد ریاست جمهوری یا نخست‌وزیری و دفتر دولت، در تعدادی از کشورها وزارت دارایی و خزانه‌داری و در بعضی نیز، سازمان‌های برنامه، سازمان‌های ممیزی و یا ترکیبی از سازمان‌های مختلف مسئول نظام‌های ارزیابی هستند. در برخی کشورها، مجلس نقش جدی در این نظام‌ها دارند که نمونه آن‌ها کشور آمریکا است. سطح قانونی نظام ارزیابی ملی نیز در کشورها متفاوت است. در کشورهایی چون آمریکا و ژاپن، قانون ارزیابی در مجلس به تصویب رسیده اما در بیشتر کشورها این برنامه در هیئت دولت به تصویب رسیده است. از مهم‌ترین نتایج ارزیابی سیاست، ایجاد تغییر در میزان هزینه کرد دولت‌ها در برنامه‌هاست. در کشورهای مختلف نگاه‌های متفاوتی نسبت به این تأثیر وجود داشته است. در پیمایشی که ۲۸ کشور عضو OECD در آن مشارکت داشته‌اند، تنها ۳ کشور، ارزیابی را در بودجه تأثیر نمی‌داده‌اند اما در اغلب کشورها، نتیجه ضعیف ارزیابی، موجب قطع سریع بودجه یک سازمان نمی‌شود زیرا دولت‌ها معمولاً عوامل مختلفی را در کنار ارزیابی، برای تصمیم‌گیری در مورد سازمان‌ها و مدیران در نظر می‌گیرند که بخشی از آن هم سیاسی است. در این پیمایش، همچنین پشتیبانی سیاسی ناکافی، دشواری تشخیص اثرات برنامه‌ها، دشواری شاخص‌گذاری و اندازه‌گیری شاخص‌ها و همچنین اهداف غیرشفاف و داده‌های ضعیف از مشکلات ارزیابی سیاست در کشورها دانسته شده است. (Curristine, 2006) یک اصل مهم هم که در تعدادی از کشورهای بررسی شده دیده می‌شود، انتشار عمومی داده‌ها و نتایج ارزیابی و دادن فرصت به گروه‌های مدنی و مردم برای مشاهده و داوری است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق پاسخگویی دولت‌ها به مردم، همین انتشار نتایج ارزیابی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات مربوط به آن است. در یک جامعه مسئولیت‌پذیر، ایجاد آوردگاه برای قضاوت عمومی به‌ویژه قضاوت خبرگان، سازمان‌ها و مدیران آن‌ها را از توجیه، فرار از مسئولیت و آمارسازی دور می‌کند. حتی اگر هدفی محقق نمی‌شود، سازمان باید علت‌ها را توضیح دهد و در صورت نیاز، برای اصلاح آن اقدام نماید. یکی از اصلاحاتی که در سال‌های اخیر در قانون کارایی و نتایج دولت آمریکا ایجاد شده، تعیین مسئول برای هر یک از اهداف هر سازمان است. این کار باعث تشویق مدیران کارآمد و شناخت مدیران ضعیف می‌شود. بخشی از یافته‌های این مقاله با یک مطالعه داخلی (امامی‌میبدی، ۱۳۹۴) همخوانی دارد که در آن با بررسی نظام ارزیابی در نه کشور، اصول عام ارزیابی سیاست را شامل مواردی چون وجود اراده سیاسی و تقاضای دیوانی برای انجام ارزیابی، ظرفیت سازی برای ارزیابی، استفاده از شاخص‌های عملکرد، اتخاذ سیاست‌های تشویقی و تنبیهی نسبت به نتایج عملکرد، وجود نهاد هماهنگ‌کننده نظام ارزیابی، انتشار عمومی گزارش‌های ارزیابی و تکامل تدریجی دامنه ارزیابی و روش‌های

آن تبیین شده است. ارزیابی سیاست را نباید فقط یک مرحله از چرخه سیاست دانست؛ بلکه موضوع مهمی است که از زمان تدوین سیاست آغاز می‌شود. در زمان تدوین، هم باید دلایل سیاستگذاری را منتشر کرد تا جامعه بتواند دلیل مداخله دولت را قضاوت کند و هم باید سیاست و قانون، ارزیابی‌پذیر تدوین شود. فرایند ارزیابی عموماً با خودارزیابی شروع می‌شود. گاهی در کشور به خاطر اینکه نظارت و اجرا را از هم تفکیک کنند، سازمان‌های دیگری را مسئول ارزیابی یک برنامه یا سازمان می‌کنند؛ این کار بخشی از فرایند است نه همه آن و قطعاً بخش اول هم نیست. اگر خود سازمان متولی یک برنامه، ارزیابی را شروع نکند و یا به بیان بهتر موظف به ارزیابی نباشد و ملاحظات آن را در زمان اجرای برنامه نداشته باشد، ارزیابی دیگر سازمان‌ها نیز نمی‌تواند دقیق و سازنده باشد. هدف از ارزیابی، بهبود فرایند سیاستگذاری دولت است بنابراین باید فرایند ارزیابی باعث ایجاد بازخورد و بهبود شود. اگر قرار نیست نتایج ارزیابی به کار گرفته شود و با تغییر مدیریت‌ها، داده‌های تولیدشده دور ریخته می‌شود، ارزیابی خود یک مانع دست و پاگیر برای مدیریت‌ها تلقی می‌شود؛ اما اگر سازمان، تشنه بهبود باشد، ارزیابی را در مرحله اول برای خود ضروری می‌داند و دائماً از آن بهره می‌برد.

پیشنهاد: نظام ملی ارزیابی

ایجاد نظام ملی ارزیابی پیشنهاد اصلی این مقاله است که قبل از بیان آن، ابتدا به تشریح دو مفهوم آمادگی ارزیابی^{۲۷} و فرهنگ ارزیابی^{۲۸} اشاره می‌شود. لازم به ذکر است در مقاله دیگری (امامی‌مبیدی & اشتریان، ۱۳۹۱) نیز نقش نهادهای مختلف برای ارزیابی در کشور مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادهایی آورده شده است که برای طراحی این نظام در کشور قابل استفاده هستند.

آمادگی ارزیابی و فرهنگ ارزیابی

برای ایجاد نظام ملی ارزیابی در مرحله اول باید آمادگی آن ایجاد شود. آمادگی ارزیابی به معنای وجود اراده و ظرفیت درگیر شدن در فعالیت‌های ارزیابی و ظرفیت تجربه، مهارت و دانش ارزیابی است و این اراده بیشتر به انگیزه مرتبط است تا الزام قانونی. (Clinton, 2014) ترویج ضرورت ارزیابی و تبدیل آن به یکی از شاخص‌های ارزشیابی مدیران می‌تواند این آمادگی را ارتقاء دهد و در درجه بعد به فرهنگ ارزیابی تبدیل کند. فرهنگ ارزیابی در یک سازمان به

27 - Evaluation Readiness

28 - Evaluation Culture

معنای اعتقاد عملی اعضای سازمان به‌ویژه مدیران عالی آن به ارزیابی و انجام ارزیابی در زمان‌های مختلف است (Runnels et al., 2017). به همین نسبت می‌توان فرهنگ ارزیابی را در سطح یک دولت تعریف کرد. اعتقاد و پایبندی اجزای دولت به ارزیابی، انجام آن و استفاده از نتایج آن ویژگی فرهنگ ارزیابی در سطح ملی است. یکی از راه‌های ایجاد این فرهنگ، تصویب قانونی است که ارزیابی را در دولت و نهادهای دولتی نهادینه کند.

تدوین لایحه و تصویب قانون ارزیابی

در مرحله اول باید مطالعات لازم برای تدوین لایحه ارزیابی ملی انجام شود و سازمان برنامه‌بودجه با مشارکت سایر سازمان‌ها لایحه را تهیه نماید و پس از تصویب در دولت، به مجلس فرستاده شود. از جمله بخش‌های این قانون عبارت است از:

- الزام مجلس شورای اسلامی و شوراهای عالی به تصویب قوانین و مصوبات به‌صورت ارزیابی‌پذیر (حداقل دارای اهداف و شاخص‌های روشن و ارزیابی‌پذیر)
- الزام دولت به ارزیابی‌پذیر بودن تصویب‌نامه‌های هیئت‌وزیران
- تعیین متولی ارزیابی کشور (که ممکن است یکی از بخش‌های سازمان برنامه‌بودجه باشد)
- الزام تمام دستگاه‌های بهره‌مند از بودجه عمومی کشور برای تدوین اهداف روشن، شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و سامانه جمع‌آوری اطلاعات برای هر یک از وظایف دستگاه (که مناسب است ۵ ساله و متناسب با دوره‌های برنامه‌های ۵ ساله کشور باشد)
- الزام دستگاه به تدوین برنامه‌های عملیاتی دوساله (با ویژگی ارزیابی‌پذیری) که سالیانه بازنگری شود
- ایجاد پایگاه داده ارزیابی و انتشار عمومی تمام برنامه‌ها، شاخص‌ها و نتایج ارزیابی‌ها
- الزام همه سازمان‌ها به بهره‌گیری از نتایج ارزیابی در تدوین برنامه‌های ۵ ساله کشور و برنامه‌های ۵ ساله سازمان‌ها

ایجاد آمادگی ارزیابی در کشور

برای داشتن نظام ارزیابی، ابتدا باید با ایجاد ظرفیت‌های لازم، آمادگی کشور برای ارزیابی ارتقا پیدا کند. با توجه به تعاریف ارائه‌شده و همچنین تجربه دیگر کشورها موارد زیر به‌عنوان لازمه ایجاد آمادگی طرح می‌شود:

- اجرای پایلوت قانون (به‌طور مثال توسط ۳ سازمان مشخص در طول یک دوره دوساله)
- تدوین دستورالعمل ارزیابی بر اساس تجربه اجرای پایلوت

- تربیت نیروی انسانی متخصص ارزیابی و شکل‌گیری نهادهای تخصصی و حرفه‌ای ارزیابی
 - توجیه و افزایش آگاهی مسئولان سازمان‌ها
- امید است با اجرای این پیشنهادها، دولت جمهوری اسلامی ایران به سطحی بالاتر از کارآمدی و خدمت به مردم نائل آید. لازم به ذکر است ممکن است در آینده، نهادهای بین‌المللی با تصویب اسنادی، کشورها را به سمت رفتار مشابه در ارزیابی سیاست تشویق کنند.

منابع

- ۱- امامی‌مبیدی، راضیه. (۱۳۹۴). اصول عام ارزیابی نظام‌های ارزیابی سیاست. دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، ۱۱(۱)، ۶۸-۴۵.
- ۲- امامی‌مبیدی، راضیه، & اشتریان، کیومرث. (۱۳۹۱). طراحی نظام ارزیابی سیاست‌های عمومی در جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۷(۲).
- ۳- سلطانی، علی‌محمد. (۱۳۹۰). مدل ارزیابی سیاستگذاری فناوری نانو در ایران. (پایان‌نامه دکترای تخصصی)، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۴- غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۸). منطق پژوهش تطبیقی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۳(۴). قانون برنامه و بودجه کشور، (۱۳۵۱).

- 5- Arnold, E. (2004). Evaluating research and innovation policy: a systems world needs systems evaluations. *Research Evaluation*, 13(1), 3-17 .
- 6- Arnold, E., & Balazs, K. (1998). Methods in the Evaluation of Publicly Funded Basic Research. A review for OECD. Can be found at: www.technopolis.co.uk/reports .
- 7- BIS. (2010). Impact Assessment Toolkit; a guide to undertaking an impact assessment and completing the IA Template. Retrieved from London :
- 8- Blalock, Ann Bonar. (1999). Evaluation research and the performance management movement: from estrangement to useful integration? *Evaluation*, 5(2), 117-149 .
- 9- Bovens, Mark, Hart, Paul 't, & Kuipers, Sanneke. (2006). THE POLITICS OF POLICY EVALUATION The Oxford Handbook of Public Policy: Oxford University Press.
- 10- Brass, Clinton T. (2012). Changes to the Government Performance and Results Act (GPRA): Overview of the new framework of products and processes. Retrieved from
- 11- Basic Guidelines for Implementing Policy Evaluation (Revised) . (۲۰۱۷) ,
- 12- CEE. (2018). Centre of Excellence for Evaluation (CEE). Retrieved from <https://www.canada.ca/en/treasury-board-secretariat/services/audit-evaluation/centre-excellence-evaluation.html>
- 13- Clinton, Janet. (2014). The true impact of evaluation: Motivation for ECB. *American journal of evaluation*, 35(1), 120-127 .
- 14- CONEVAL. (2018). The National Council for the Evaluation of Social Development Policy (CONEVAL). Retrieved from <https://www.coneval.org.mx/quienessomos/Paginas/Quienes-somos-en.aspx>
- 15- Cunio, K. M. (1995). UK Government Departments experience of RT&D programme evaluation and methodology. *Scientometrics*, 34(3), 363-374 .
- 16- Currstine, Teresa. (2006). Performance information in the budget process. *OECD Journal on Budgeting*, 5(2), 87-131 .
- 17- Džinić, Jasmina. (2017). Effective Implementation of a Quality Management Policy in Public Administration: Experiences from Spain and Lessons for Croatia. *Croatian & Comparative Public Administration*, 17 .(۴)

- 18- Evans, Mark. (2017). Policy transfer in global perspective: Routledge.
- 19- Fahrenkrog, G., Polt, W., Rojo, J., Tübke, A., Zinöcker, K., Eth, S. A., et al. (2002). RTD evaluation toolbox. Retrieved from
- 20- Feinstein, Osvaldo, & Zapico-Goñi, Eduardo. (2010). Evaluation of government performance and public policies in Spain. Retrieved from
- 21- Government_of_Botswana. (2018). National AIDS Coordinating Agency (NACA). Retrieved from <http://www.gov.bw/en/Ministries--Authorities/Ministries/State-President/National-AIDS-Coordinating-Agency-NACA1/Monitoring--Evaluation/Overview/>
- 22- Government Policy Evaluations Act (Act No. 86 of 2001), (2001).
- 23- HM_Treasury. (2018). THE GREEN BOOK; CENTRAL GOVERNMENT GUIDANCE ON APPRAISAL AND EVALUATION.
- 24- Lengrand, L. (2006). Smart Innovation: A Practical Guide to Evaluating Innovation Programmes. Retrieved from
- 25- Lu, Xuejin, & Xie, Donhai. (2005). Evaluation in the People's Republic of China. *Journal of Multidisciplinary Evaluation*, 2(3), 172-179 .
- 26- McDavid, James C, Huse, Irene, Hawthorn, Laura RL, & Ingleson, Laura RL. (2012). Program evaluation and performance measurement: Sage.
- 27- Mertens, Donna M, & Wilson, Amy T. (2018). Program evaluation theory and practice: Guilford Publications.
- 28- MIC, Japan. (2018). Guidance on the Ministry of Internal Affairs and Communications. Retrieved from <http://www.soumu.go.jp/english/soumu/io.html>
- 29- NABO (국회예산정책처). National Assembly Budget Office - Program Evaluation Bureau Retrieved from http://korea.nabo.go.kr/eng/01_about/program.page
- 30- Newcomer, Kathryn E, Hatry, Harry P, & Wholey, Joseph S. (2015). Handbook of practical program evaluation Fourth Edition: John Wiley & Sons.
- 31- Radin, Beryl A. (2000). The Government Performance and Results Act and the tradition of federal management reform: Square pegs in round holes? *Journal of Public Administration Research and Theory*, 10(1), 111-135 .
- 32- Rosenstein, Barbara. (2006). Status of National Evaluation Policies Global Mapping Report. Retrieved from
- 33- Runnels, Vivien, Andrew, Caroline, & Rae, Jennifer. (2017). Building Evaluation Culture and Capacity in a Community-Level Program: Lessons Learned from Evaluating Youth Futures. *Canadian Journal of Program Evaluation*, 32 (1)
- 34- Sanderson, I. (2002). Evaluation, policy learning and evidence-based policy making. *Public administration*, 80(1), 1-22 .
- 35- Sanderson, Ian. (2000). Evaluation in complex policy systems. *Evaluation*, 6 (4), 433-454 .
- 36- Smith, G. (1999). Make Success Measurable! A Mindbook-Workbook for Setting Goals and Taking Action. Toronto: John Wiley & Sons, Inc.
- 37- Talbot, Colin. (2006). Performance regimes and institutional contexts: Comparing Japan, UK and USA. Paper presented at the International Symposium on Policy Evaluation, Tokyo.
- 38- US-Congress. (1993). Government Performance and Results Act of 1993.
- 39- Van Dooren, Wouter, Bouckaert, Geert, & Halligan, John. (2015). Performance management in the public sector: Routledge.